

رحمت حاجی مینه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۳۰

رویا رئیسی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۵

چکیده

روندی که تحولات خاورمیانه در سال گذشته طی کرده است، چشم‌اندازی توأم با بیم و امید را برای تحولات این منطقه قابل پیش‌بینی کرده است. شکست‌های داعش در عراق و سوریه چشم‌اندازهای روشنی برای بازگشت ثبات به منطقه پدیدار کرده است. با وجود امیدواری‌هایی که به پایان کار داعش و دیگر گروه‌های تروریستی به وجود آمده است؛ اما واقعیت‌هایی وجود دارد که نشانگر دشواری‌های فراوان برای رسیدن به منطقه‌گرایی در چارچوب روابط بین‌الملل است.

نتایج مثبت منطقه‌گرایی در عرصه روابط بین‌الملل موجب شده است که بحث منطقه‌گرایی در خاورمیانه به مبحثی حایز اهمیت در سال‌های اخیر تبدیل شود که این امر نیازمند بررسی بیشتر است. در این پژوهش به تأثیر عامل تروریسم بر منطقه‌گرایی خاورمیانه تمرکز شده است، تا با بررسی تأثیرات آن به راهکارهایی برای کاهش تأثیرات منفی تروریسم خصوصاً داعش بر منطقه‌گرایی در خاورمیانه دست یابیم.

سوال این پژوهش به این صورت مطرح شده است که ظهور تروریسم خصوصاً داعش چه تأثیری بر روند منطقه‌گرایی در خاورمیانه گذاشته است؟ ظهور داعش در منطقه خاورمیانه با وجود تقویت اندیشه و اقدام مبارزه با تروریسم در کشورهای منطقه به دلیل رقابت‌های بازیگران بومی و منافع متعارض آنها باعث شکل‌گیری ائتلاف‌های دوگانه و واگرا به‌جای منطقه‌گرایی شده است.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی، تروریسم، خاورمیانه، داعش، همگرایی، ائتلاف ضد داعش.

hajrahmat@gmail.com

۱. استادیار روابط بین‌الملل، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۲. گروه روابط بین‌الملل، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، به واسطه گسترش تعداد کشورها در عرصه بین‌المللی و شکل‌گیری اتحادیه‌های منطقه‌ای، موضوع همگرایی منطقه‌ای از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل برخوردار شد. امروزه همگرایی منطقه‌ای با توجه به عامل جغرافیا مورد توجه اکثریت کشورهای جهان قرار گرفته است. منطقه‌گرایی در شرایط فعلی روندی رو به رشد را در عرصه روابط بین‌الملل تجربه می‌کند و کشورها نیازمند پیوستن به سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای هستند. این احساس نیاز در منطقه خاورمیانه نیز شکل گرفته است. خاورمیانه در مسیر منطقه‌گرایی تا به امروز با موانعی در حوزه‌های مختلف روبه‌رو بوده است و تجربه‌ها پیرامون همگرایی منطقه‌ای در خاورمیانه بیشتر ناکام بوده است (کولایی، سازمند، ۱۳۹۰: ۸۰-۵۹).

بیشتر تجربه‌های منطقه‌گرایی و عوامل تاثیرگذار بر آن که مورد پژوهش قرار گرفته است؛ پیرامون مسایل اقتصادی بوده است و در این پژوهش ما به دنبال بحث امنیت و منطقه‌گرایی هستیم. امنیت عاملی است که کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای خواستار آن هستند و این موضوع در خاورمیانه مورد مطالعه قرار گرفته است زیرا مردم خاورمیانه همواره با کمترین امنیت و پدیده شوم تروریسم زندگی کرده‌اند. منطقه خاورمیانه همواره آستان تحولات گسترده و ژرفی بوده است. یکی از این تحولات ظهور، رشد و گسترش حرکت‌های خشونت‌زا و گروه‌های تروریستی مانند داعش است. شیوه‌های مختلفی برای مبارزه با اندیشه و عملکرد گروه‌های تروریستی و خصوصا گروه داعش تا به امروز بیان شده است و این شیوه‌ها یا به صورت موقتی تروریسم را آتش زیر خاکستر کرده است یا منجر به گسترش روزافزون بی‌اعتمادی متقابل در سطح روابط دولت‌ها و ملت‌های خاورمیانه شده است.

سوال اصلی پژوهش حاضر چنین است که، ظهور تروریسم (داعش) در خاورمیانه، چه تاثیری بر روند منطقه‌گرایی دارد؟ ظهور داعش در منطقه خاورمیانه با وجود تقویت اندیشه و اقدام مبارزه با تروریسم در کشورهای منطقه به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای بازیگران بومی و منافع متعارض آنها باعث شکل‌گیری ائتلاف‌های دوگانه و واگرا به جای منطقه‌گرایی شد.

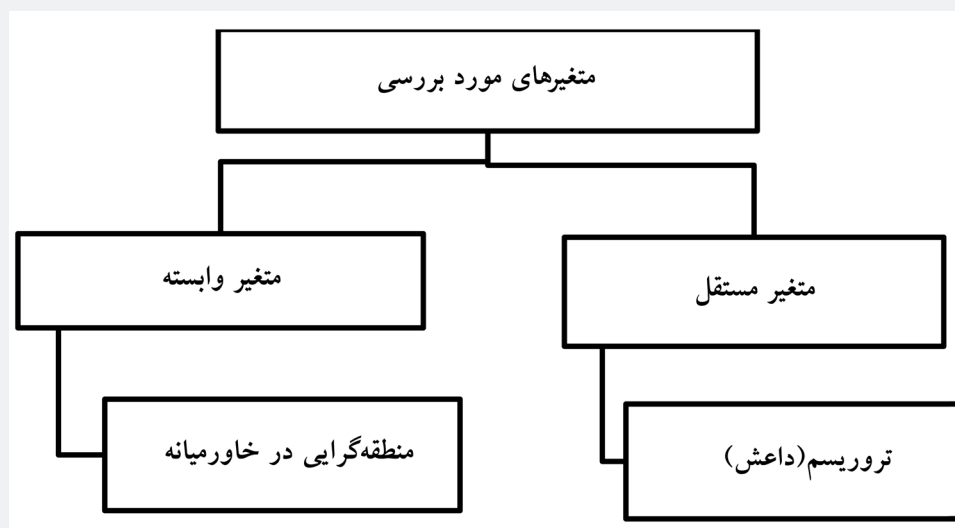
در خصوص ائتلاف‌های شکل گرفته موضوع مهم تعدد فعالیت‌ها در مسیر مبارزه با داعش است که نیازمند نوعی اتحاد منطقه‌ای در برابر این گروه تروریستی است. ائتلاف‌های منطقه خاورمیانه

ازجمله ائتلاف‌هایی در جهان است که بیشترین تغییر و دگرگونی را شاهد است و در یک چشم بر هم زدنی زیرورو می‌شوند. از سویی نیز تعدادی از کشورها در خاورمیانه با نوعی بلاتکلیفی مواجهه هستند که تعدد فعالیت‌ها را گسترش می‌دهند.

در بحث نظری به دو الگوی منطقه‌گرایی قدیم و منطقه‌گرایی نوین اشاره خواهیم کرد که با توجه به بحث تروریسم و پیچیدگی‌هایی که دارد، تاکید بر رویکرد منطقه‌گرایی نوین شده است. در راستای پاسخ به پرسش اصلی مباحث در دو بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در بخش اول به منطقه‌گرایی در خاورمیانه و مباحث نظری و در بخش دوم به تروریسم در خاورمیانه می‌پردازیم. در نهایت هم با پیوند دو متغیر تروریسم و منطقه‌گرایی به نتیجه‌گیری و پاسخ به سوال مطرح شده خواهیم رسید.

چارچوب نظری و مفهومی

در مباحث و مفاهیمی که در این پژوهش بکار رفته است، متغیر تروریسم (داعش) به‌عنوان متغیر مستقل و منطقه‌گرایی در خاورمیانه به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است که در یک الگوی کلی به شکل زیر به آنها می‌پردازیم.



شکل شماره یک: متغیرهای مورد بررسی

در عرصه روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی با فرازوفرودهایی همراه بوده است و تغییرات موجود

در شرایط منطقه‌گرایی موجب شده است که کارشناسان، منطقه‌گرایی را به دو بحث منطقه‌گرایی قدیم و منطقه‌گرایی نوین تقسیم کنند.

منطقه‌گرایی قدیم به رویکردهای کلاسیک و سنتی منطقه‌گرایی اشاره دارد که در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در قالب نظریه‌هایی مثل فدرالیسم، کارکردگرایی و نو کارکردگرایی و فراملی‌گرایی، به همگرایی منطقه‌ای و به‌خصوص ایجاد صلح از طریق همگرایی منطقه‌ای و آن هم از طریق نهادی به نام اتحادیه اروپا تمایل نشان می‌دادند (روحی دهبه، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۵۵).

این نوع منطقه‌گرایی، منطقه‌گرایی بوده که به‌واسطه ضرورت‌ها و الزامات جغرافیایی و به‌خصوص ساختار نظام دوقطبی و جنگ سرد ظهور یافته بود و ریشه در موضوعات خاصی داشت؛ موضوعاتی که عمدتاً به نگرانی دولت‌ها در خصوص حاکمیت آنها مربوط می‌شد.

منطقه‌گرایی نوین در اواخر نیمه دهه ۱۹۷۰ و اواسط دهه ۱۹۸۰، به‌واسطه وقوع تحولاتی مثل تمرکززدایی از نظام بین‌الملل، فرسایش سیستم دولت-ملت و ستفالیایی، رشد وابستگی متقابل و جهانی‌شدن و افزایش سازمان‌های منطقه‌ای شروع شد (روحی دهبه، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۵۵).

در این زمان بود که موفقیت‌های کشورهای که به مباحث منطقه‌گرایی ورود کرده بودند، موجب شد تا برخی از کشورها از ترس اینکه مبادا در حاشیه قرار بگیرند، سیاست‌های همگرایی را در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست و... را در پیش گرفته و به منطقه‌گرایی توجه ویژه‌ای نمایند. به اعتقاد بسیاری، این موج منطقه‌گرایی پدیده گسترده‌ای است که در بخش‌های زیادی از جهان اتفاق افتاده و نسبت به منطقه‌گرایی قدیم برون‌گرایانه‌تر است.

همچنین منطقه‌گرایی نوین در چهار بعد کارگزاری، انگیزه، جهت و گسترده از منطق‌گرایی قدیم متفاوت و متمایز است. از نظر کارگزاری و نقش کارگزاران، برخلاف منطقه‌گرایی قدیم که بر نقش دولت‌ها در ساختارها و سازه‌های منطقه‌ای تمرکز می‌کند، منطقه‌گرایی نوین ناشی از نقش‌آفرینی طیف وسیعی از بازیگران دولتی، فردی و اجتماعی در درون و برون منطقه است.

از نظر انگیزه و هدف نیز منطقه‌گرایی نوین تک‌بعدی و دارای یک متغیر نیست؛ بلکه منطقه‌گرایی نوین یک نوع همگرایی چندبعدی و چندوجهی است که شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و هدفی بسیار فراتر از ایجاد رژیم‌های تجارت آزاد و ائتلاف‌های نظامی-امنیتی منطقه‌ای دارد.

منطقه‌گرایی نوین برخلاف منطقه‌گرایی قدیم که از بالا به‌وسیله دولت‌ها و یا ابرقدرت‌ها تحمیل می‌شد، مدلی از پایین به بالا است و به‌صورت خودجوش به‌وسیله کنش انسانی و رویه‌ها و کردارهای انسانی در شرایط بازتعریف منافع و فرایندها ساخته می‌شوند.

ظهور مناظره سوم و تحولات در نظریه‌های روابط بین‌الملل موجب تاکید بر عوامل غیرمادی در نظریه‌های منطقه‌گرایی شد. نظریه‌های نوین به‌جای معیارهای عینی که بر جغرافیا و وابستگی مادی تمرکز داشتند، بر ایده، گفتمان و فرهنگ و به‌طور جامع بر ساختارهای غیرمادی در مطالعات منطقه‌ای تاکید کردند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

یک. منطقه‌گرایی در خاورمیانه

پیرامون مسایل روابط بین‌المللی بحث تئوری‌ها و نظریه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است و مهمترین نکته داشتن تئوری‌های منسجم است. نظریه‌هایی که قدرت تبیین و پیش‌بینی بیشتری داشته باشند، به‌نظریه‌های غالب تبدیل می‌شوند. تئوری مهمی که در روابط بین‌الملل برجسته شد، منطقه‌گرایی است. در ادبیات روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی هنگامی بکار می‌رود که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند، از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند (علی بابایی، ۱۳۷۲: ۱۳۲).

ادبیات مربوط به منطقه و منطقه‌گرایی، در کنار مفاهیمی همچون همگرایی و همکاری منطقه‌ای در سال‌های اخیر به مباحث عمده روابط بین‌الملل و به‌خصوص مطالعات منطقه‌ای تبدیل شده‌اند. پیرامون منطقه‌گرایی شاهد رویکردهای متفاوتی بوده‌ایم که سعی در تئوریزه کردن مباحث داشته‌اند.

رویکرد مدنظر ما در بحث منطقه‌گرایی اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، با تحولاتی که در نظام بین‌الملل به وقوع پیوست، شکل گرفت. هم‌زمان با وقوع مناظره سوم در روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردهای گفتمانی و تفسیری در روابط بین‌الملل ظهور کردند که به‌جای معیارهای عینی در مطالعات منطقه‌ای که بر جغرافیا و وابستگی متقابل مادی تاکید می‌کردند، ایده‌ها و انگاره‌های شناختی، گفتمان و قدرت زبان، فرهنگ و به‌طور کلی ساختارهای غیرمادی و انگارهای را در مطالعات منطقه‌ای مورد توجه قرار دادند (روحی دهبنه، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۵۵).

خاورمیانه در چارچوب منطقه‌گرایی به صورت کامل ورود نکرده است؛ اما همگرایی‌هایی را تجربه کرده است که در ابتدای امر بیشتر همگرایی در ائتلاف‌های کوچک میان دو یا سه کشور خلاصه می‌شد. در سال‌های بعد از جنگ سرد کشورهای خاورمیانه رفته‌رفته بیشتر تمایل به همگرایی داشته‌اند. اتحادها، ائتلاف‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های قبل از جنگ سرد مطرح بوده است. اکنون به دو دسته از اقدامات انجام‌گرفته برای همگرایی در خاورمیانه خواهیم پرداخت. دسته‌بندی اول ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی است. دسته‌بندی دوم متشکل از اتحادیه‌های اقتصادی است (ولایتی، سعید محمدی، ۱۳۹۰: ۸۰-۵۹).

در دسته‌بندی اول، شاهد شش اتحاد و ائتلاف در منطقه خاورمیانه هستیم که عبارتند از:

۱. پیمان سعدآباد^۱؛
 ۲. اتحادیه عرب^۲؛
 ۳. سازمان پیمان مرکزی^۳؛
 ۴. جمهوری متحده عربی^۴؛
 ۵. فدراسیون عربی^۵؛
 ۶. سازمان همکاری اسلامی^۶.
- در دسته‌بندی دوم هم از چهار همگرایی اقتصادی یاد می‌شود که عبارت‌اند از:
۱. شورای همکاری خلیج فارس^۷؛
 ۲. شورای همکاری عرب^۸؛
 ۳. گروه دی هشت^۹؛
 ۴. سازمان همکاری اقتصادی (اكو)^{۱۰}.

1. Treaty of Saadabad.
2. Arab Union.
3. Central Treaty Organization.
4. United Arab Republic.
5. Arab Federation.
6. Organization of Islamic Cooperation.
7. Persian Gulf Cooperation Council.
8. Arab Cooperation Council.
9. D-8 Organization for Economic Cooperation.
10. Economic Cooperation Organization.

۱-۱. همگرایی و واگرایی دولت‌های خاورمیانه

مبحث مهم در عرصه روابط بین‌الملل در میان دولت‌ها بحث همگرایی و واگرایی است. همگرایی که می‌تواند منجر به منطقه‌گرایی شود و واگرایی که موجب تقویت فضای پر آشوب فعلی خواهد شد. برای ورود به بحث تاثیر تروریسم بر روابط دولت‌ها در خاورمیانه به عوامل واگرایی دولت‌ها در این منطقه خواهیم پرداخت. عوامل متعددی در پیدایش زمینه‌های واگرایی خاورمیانه، دخیل هستند. مهمترین آنها به عبارتند از:

۱. جغرافیای سیاسی و دموکراسی؛

۲. بحران رو به رشد محیط‌زیست؛

۳. هیدروپولیتیک خاورمیانه؛

۴. ژئوپلیتیک مرزها و اختلافات سرزمینی در خاورمیانه.

درخصوص واگرایی کشورهای منطقه باید گفت که بخش‌های اجتماعی و سیاسی خاورمیانه در حال تجربه کردن تحولات اساسی می‌باشند. کشورهای بزرگی در حال صنعتی شدن هستند و دوره گذار را تجربه می‌کنند. از طرف دیگر مهمترین زمینه‌های همگرایی دولت‌ها در خاورمیانه عبارتند از:

۱. منابع عظیم انرژی؛

۲. هیدروپولیتیک به جای ژئوپلیتیک آب؛

۳. تاکید بر گفتگوی بنیادین تمدن‌ها و سرکوب تفکرات افراطی (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۷۷).

در ادامه باید با مدنظر قرار دادن تمام عوامل ذکر شده، عاملی به نام تروریسم را نیز در خاورمیانه بررسی کنیم. تروریسم در منطقه در عین حال که باعث همگرایی می‌شود به دلیل تضاد منافع باعث شکاف در این همگرایی و ائتلاف‌های چندگانه برآمده از ساختار منطقه نیز شده است. خاورمیانه در سال‌های اخیر نوعی از تروریسم را تجربه کرد که آتش آن نه تنها کشورهای درگیر مثل عراق و سوریه را به کام مرگ کشانده است بلکه تمام کشورهای منطقه را درگیر کرد.

شاید در نگاه اول دولت‌ها یک هدف آن هم مبارزه با تروریسم را خواستار بودند؛ اما در عمل برای رسیدن به این هدف مشترک، هر کشور بر اساس منافع خود قدم در مسیری می‌گذاشت که

رسیدن به هدف را دشوار می‌کرد.

این روند، بحث واگرایی را به همراه دارد که ماحصل حضور تروریسم در خاورمیانه است. ظهور جریان‌های تروریستی و تهدید امنیتی که شکل گرفت، همکاری حداقلی کشورها را نیز با خطر مواجه کرد زیرا از آنجایی که تروریست‌ها به لحاظ تامین فکری، مالی و نظامی مورد حمایت تعدادی از کشورهای منطقه هستند، به‌نظر می‌رسد در جهت حذف این گروه‌ها همکاری مثبتی صورت نخواهد گرفت.

معمولاً پس از خاتمه بحران نظامی و امنیتی، بازیگران ذی‌نفع در بحران، بر سر کسب نفوذ و جایگاه بیشتر دچار اختلاف و واگرایی می‌شوند. جریان تروریستی موجب واگرایی و جنگ در میان کشورهای خاورمیانه شده است و اگر بذر کینه و نفرت در میان آنها پاشیده شود و با افزایش درگیری‌ها، میوه‌ای جز تجزیه و واگرایی به دست نمی‌آید.

۱-۲. تروریسم در خاورمیانه

در تدوین تعریف تروریسم دو گرایش عمده در نظرات رسمی و غیررسمی کشورهای عضو نظام ملل متحد مشاهده می‌شود. یک گرایش می‌کوشد هر نوع تحرک خشونت‌آمیز علیه نظام سیاسی و قدرت‌های حاکم در سرزمین‌های مختلف در جهان امروز را بدون توجه به علل، انگیزه‌ها، مبانی اعتقادی و ریشه‌های آن محکوم سازد و همه را مصداق فعالیت تروریستی می‌داند. گرایش دوم می‌کوشد، مبارزات جنبش‌های استقلال‌طلبانه، مبارزه با اشغالگری و تبعیض نژادی را از تحرکات تروریستی متمایز سازد.

بر اساس ادعای رابرت پایپ^۱ مطرح‌کننده نظریه موازنه نرم تروریسم ترکیبی از دو مولفه خشونت و عقلانیت است. تروریسم پدیده جدید در عصر معاصر نیست و از دیرباز خطری برای تمدن‌ها، دولت‌ها و حیات جوامع بشری در قالب اشکال متنوع در اماکن و زمان‌های مختلف بوده است. در گذشته موضوع تروریسم به‌صورت یک موضوع ملی و بومی ارزیابی می‌شد و تمایل کمتری برای طرح آن در سطح بین‌المللی و سازمان‌های بزرگ جهانی وجود داشت؛ اما شرایط جدید در عصر امروز موضوع تروریسم را به یک پدیده‌ای بین‌المللی و فرامرزی تبدیل کرده است (بزرگمهری، ۱۳۸۷: ۲۳-۱۹).

1. Robert Pipe.

تروریسم تنها به امنیت، هویت و ثبات ضربه نزده است و در سیاست، فرهنگ و مسایل اجتماعی ورود کرده است و در تمامی این حوزه‌ها بحران‌زا بوده است. ناامنی منطقه در فرهنگ سیاسی مردمان خاورمیانه نهفته است. فرهنگ سیاسی محدود و تبعی در کنار وجود حاکمان دیکتاتور به تقویت و بسط استبداد و دیکتاتوری در منطقه انجامیده است. این دو عنصر در یک دور باطل به تقویت همدیگر کمک نموده‌اند.

در تمامی کشورهای خاورمیانه، رویه‌های ظاهری و نمادین دموکراسی همچون انتخابات، پارلمان و... برقرار است؛ اما در تمامی این انتخابات، قدرت حاکم با اکثریت قاطع آراء برنده انتخابات است. فرمول دموکراسی در این کشورها نه از قاعد طلایی حق انتخاب بلکه از داشتن اختیار آری به قدرت تبعیت می‌کند.

مسلمان در چنین فضایی، دامنه دفع، وسیع‌تر از جذب و مشارکت است. تروریسم و افراط‌گرایی از دل چنین بحران‌ها و خلاهایی رشد می‌یابد. آنها با جذب گروه‌های رانده شده از جامعه و با نقش دادن به آنها، نوعی احساس هویت در این گروه‌ها خلق نموده و از این طریق پروژه نسل‌کشی خود را عملیاتی می‌سازند.

امروزه در فضای خاورمیانه مرزها دچار تغییرات بسیار مهم گشته و با گسست مرزی و سرزمین در اغلب این کشورها مواجه هستیم. آنچه در تحولات اخیر منطقه دیده می‌شود، مرزدایی نماد این تغییرات در حاکمیت و ساختار قدرت در کشورهای منطقه است؛ بنابراین مرزدایی اولین زمینه برای شکل‌گیری گروه‌های تروریستی است.

در سال ۱۹۶۸ میلادی تروریسم در خاورمیانه شکل گرفت و دنیا شاهد بروز سه گروه از سازمان‌های تروریستی بود که شامل گروه‌های ایدئولوژیک (چپی و راستی) نژادپرستانه ملی (الحاق‌گرایی، تجزیه‌طلبی، خودمختاری) و گروه‌های سیاسی- مذهبی بود (جلایان مهری، ۲۰۱۷: ۵۶).

گسترش فعالیت‌های تروریستی تضاد سیاسی- فرهنگی بین جوامع را تشدید کرده است و روابط بین ملت‌ها را تحت‌تاثیر قرار داده است. در جوامع اسلامی منطقه خاورمیانه فعالیت‌های تروریستی زمینه‌های مناسبی برای تشدید تضادهای قومی- نژادی و مذهبی می‌یابد. در منطقه خاورمیانه تروریسم ضربه سنگینی بر اقتصادهای بیمار و وابسته منطقه داشته است.

در صورتی که مروری نه‌چندان خوش‌آیند بر گروه‌های تروریستی خاورمیانه داشته باشیم، با

سه گروه تروریستی شبکه حقانی^۱، القاعده^۲، جبهه النصره^۳ و جیش العدل^۴ مواجه خواهیم شد که ضمن معرفی کوتاهی از این گروه‌های تروریستی و تأثیرات تروریسم بر منطقه‌گرایی خاورمیانه به سازمان‌یافته‌ترین گروه تروریستی سال‌های اخیر که بانام دولت اسلامی شام و عراق^۵ (داعش) جهان را آبدستن وحشت و ناامنی کرد، خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱. شبکه حقانی

شبکه حقانی گروهی شبه‌نظامی در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان است که در سال ۱۹۸۰ از طرف جلال‌الدین حقانی، از رهبران مجاهدین افغان در دوران جنگ با شوروی و پسرش سراج‌الدین حقانی، تأسیس شده است. این گروه عملیات‌هایی را علیه نیروهای ناتو، آمریکا و دولت افغانستان سازمان‌دهی می‌کند. رهبری این گروه ارتباط بسیار نزدیکی با طالبان دارد. هرچند این گروه در مناطق مختلف مرزی افغانستان به‌ویژه پکتیا، پکتیکا، خوست و پاکستان فعالیت دارد. رهبر این شبکه، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران اسامه بن‌لادن در دهه ۸۰ میلادی بود. هم‌اکنون پسر حقانی یعنی سراج‌الدین مسئولیت رهبری و مدیریت فعالیت‌های شبکه را بر عهده دارد (دهقی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

۱-۲-۲. القاعده

در سال ۱۹۸۸ شاهد تأسیس گروه القاعده بودیم که این گروه زنجیره از شبکه‌های موجود تروریستی را ایجاد کرد. القاعده را به‌وسیله بکارگیری رهبران فعال اسلامی برای خود ساخت که اسامه بن‌لادن به‌تدریج رهبری آن را به دست گرفت. با وجود متوقف کردن ساختار آموزشی و عملیاتی القاعده در افغانستان هنوز خطر و تهدیدی برای دشمنانش به‌شمار می‌رود. بانفوذ فیزیکی و ایدئولوژیک در مناطقی که مسلمانان در آنجا مستقر هستند، شبکه غیرمتمرکز القاعده با گروه‌های همفکران خودشان هستند، کار می‌کند.

القاعده حملات متعددی را علیه اهداف نظامی و غیرنظامی در کشورهای مختلف انجام داده است. حملات ۱۱ سپتامبر مهم‌ترین آنها بود که منجر به کشته شدن نزدیک به سه هزار نفر و زخمی شدن شش هزار نفر شد که آمریکا در پاسخ به آن، جنگ با تروریسم را با حمله به افغانستان

1. Haqqani Network.

2. Al-Qaeda.

3. Al-Nusra Front.

4. Jashuladl.

5. Islamic State of Iraq and the Levant.

آغاز کرد (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

۱-۲-۳. جیش العدل

یک گروه شبه‌نظامی تروریستی تندروی سلفی مذهب و بلوچ است که نظام جمهوری اسلامی ایران با آنها به مبارزه مسلحانه پرداخته است. این گروه بعد از نابودی جندالله با سازمان‌دهی برخی از اعضای آن، شروع به فعالیت و اعلام موجودی کرد. رهبری این گروه را صلاح‌الدین فاروقی بر عهده دارد. این گروه تروریستی تاکنون مسئولیت چند قتل و ترور در نواحی شرقی استان سیستان و بلوچستان را برعهده گرفته است. گروهک جیش العدل، با آموزه‌های سلفی و باورهای وهابی خود ازجمله حامیان سلفی‌های معارض در جنگ سوریه هستند و یکی از دلایل اقدامات تروریستی خود علیه جمهوری اسلامی را حمایت از تکفیری‌های سوری و تروریست‌های معارض دولت سوریه اعلام کرده است (حاجی ناصری، ۱۳۹۴: ۶۸-۵۱).

۱-۲-۴. جبهه النصره

جبهه النصره یا جبهه نصرت با نام رسمی جبهه یاری شامیان گروهی اسلام‌گرای سلفی و شاخه رسمی شبکه القاعده در سوریه است. جبهه نصرت با گسترش جنگ داخلی سوریه، در حمایت از اکثریت سنی مذهب سوریه وارد جنگ علیه نیروهای دولتی شد. رهبر این گروه ابو محمد الجولانی نام دارد. اعضای این گروه در ۱۱ استان از ۱۴ استان سوریه، به‌ویژه در ادلب، حلب و دیرالزور، فعال هستند. در اواخر ژوئیه ۲۰۱۶ میلادی جبهه النصره نام خود را به جبهه فتح شام تغییر داد و از القاعده جدا شد. النصره در ۲۰۱۵ ائتلافی به نام جیش الفتح را تشکیل داد که در حدود ۷ گروه اسلام‌گرا با یکدیگر ادغام شدند. اعضا و جنگجویان این جبهه با قومیت و نژادهای مختلف بوده است که به‌غیر از نیروهای عرب می‌توان به جنگجویان ازبک، ترک، چچن و اروپایی نیز اشاره کرد.

۱-۲-۵. داعش

خاورمیانه در حال حاضر با جدیدترین و شوم‌ترین گروه تروریستی مواجه است. داعش یا دولت خود خوانده اسلامی عراق و شام، یک گروه ستیزه جوی جهادگرای سلفی است که دنباله‌روی آموزه بنیادگرای وهابی از اسلام سنی است. این گروه که از ژوئیه ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرده است و خود را دولت اسلامی می‌نامد، بخش‌های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه را با جمعیت‌های

۲,۸ و ۸ میلیون نفر و بخش‌های کوچکی را در لیبی، نیجریه و افغانستان در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از مجاهدین سلفی از شبکه القاعده منشعب شده و با دولت‌های عراق و سوریه و دیگر گروه‌های شورشی مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است. داعش یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه است. آنها علاوه بر عراق و سوریه، بخش‌هایی از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود دارند و گروه‌های هم‌پیمان آنها در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و آسیای جنوب شرقی نیز فعال هستند (ترابی، ۱۳۹۴: ۲۳۰-۲۱۸).

ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابو مصعب الزرقاوی تاسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود، در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرد و مجلس شورای مجاهدین را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان انبار، وسیع‌ترین استان عراق محسوب می‌شد. در ۱۴ اکتبر همین سال، مجلس شورا به همراه چند گروه شورشی دیگر، دولت اسلامی عراق را تشکیل داد. ابو ایوب المصري و ابوعمر بغدادی دو رهبر اصلی دولت اسلامی عراق بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر البغدادی جایگزین آنها شد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده درخصوص گروه‌های تروریستی خاورمیانه، جنگ، درگیری و خشونت همان‌طور که تاریخ مدرنیته غربی نشان داده است؛ در گروه وجود رهبرانی عقل محور و اصلاح‌پذیر می‌تواند به عقلانیت، تساهل و دیالوگ منجر گردد. ماهیت تروریسم جدید به‌گونه‌ای است که دستیابی به نتایج مطلوب در مبارزه با آن نیازمند کمک و همکاری متقابل ملت‌ها و دولت منطقه خاورمیانه است.

در حال حاضر چالش‌های اصلی ناشی از تضاد برداشت‌ها در برخورد با پدیده تروریسم از یکسو و عدم فهم صحیح از خواسته‌ها و انتظارات متقابل میان جوامع منطقه خاورمیانه و غرب در استفاده از ابزارهای مبارزه با تروریسم از سوی دیگر هست. تضاد اصلی ناشی از وجود بی‌اعتمادی متقابل بین ملت‌های منطقه خاورمیانه و غرب نسبت به اهداف یکدیگر است که ریشه تاریخی و سیاسی و اجتماعی دارد.

سیاست ضرورت در اولویت قرار دادن مبارزه با گسترش گروه‌های تروریستی در منطقه و محکوم

کردن حمایت و استفاده دولت‌ها از گروه‌های تروریستی به‌منظور پیشبرد منافع خود توانسته است تا حدودی آتش این بحران را با ایجاد اولویت مبارزه با تروریسم در سوریه و عراق میان دولت‌های ذی‌نفع، کم کند. در راستای مبارزه با تروریسم کشورهای منطقه به‌سوی ائتلاف با یکدیگر حرکت کردند که با شکل‌گیری این ائتلاف‌ها در شرایطی که اختلاف‌هایی نیز مطرح شده است، شاهد نوعی منطقه‌گرایی بوده‌ایم.

دو. تاثیر تروریسم بر منطقه‌گرایی

در عصر ما پدیده تروریسم از تهدید ملی به یک تهدید بین‌المللی مبدل گشته است و سیاست جهان را تحت‌تاثیر خود قرار داده است. این پدیده به‌عنوان پدیده جایگزین در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... عمل می‌کند و زندگی سیاسی را به چالش می‌کشد. تروریسم به اشکال مختلف از زمان‌های قدیم و متناسب با نظام‌های سیاسی حاکم بر جوامع، از نظام‌های سیاسی سنتی گرفته تا دوران مدرن وجود داشته است. امروزه معادلات بین‌المللی مانند منطقه‌گرایی نیز دست‌خوش تغییراتی شده‌اند که تروریسم بر خاورمیانه تحمیل کرده است.

تروریسم چهارعنصر تشکیل‌دهنده دولت‌ها را هدف قرار داده است:

- مردم: قربانیان تروریسم در شکل نوین آن اغلب شهروندان بی‌گناهی هستند که تصادفاً انتخاب شده‌اند یا آنکه اتفاقی در موقعیت‌های تروریستی حضور داشته‌اند.
- سرزمین: تروریسم‌های تکفیری طی حمله گسترده و همه‌جانبه بخش‌های وسیعی از خاک کشورهای مسلمان از قبیل عراق و سوریه را به اشغال خود درمی‌آوردند.
- حکومت: از آنجایی که ماهیت گروه‌های تروریستی سیاسی است، دایماً با نظام‌های سیاسی درگیر هستند و از این طریق تلاش می‌کنند، اعتماد مردم نسبت به نظام حکومتی را مخدوش و کم‌رنگ کنند.
- حاکمیت: آشوب و بی‌ثباتی در کشورهای گرفتار گروه‌های تکفیری تروریستی، زمینه‌افزایش نظامی‌گری و حاکمیت بیگانگان در این کشورها را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، برخی معتقدند، تنها تروریسم نیست که بر دولت‌ها تاثیرگذار است؛ بلکه یکی از عوامل موثر رشد تروریسم، دخالت دولت‌ها است. گاه تروریسم از جانب دولت‌هایی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا برای احقاق حقوقی خود که بدون پشتوانه باقی‌مانده، صورت می‌گیرد. در این

زمینه گاهی دولت‌ها به صورت مستقیم در امر تروریسم دخالت می‌کنند که به آن تروریسم دولتی می‌گوییم. تروریسم دولتی از مهمترین شاخه‌های تروریسم است که به گمان بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی منشا و منبع بسیاری از انواع دیگر تروریسم در جهان امروز است. این نوع تروریسم نه از سوی گروه‌ها یا سازمان‌های تروریستی که از سوی دولت‌ها صورت می‌گیرد.

سه. تاثیر داعش بر ائتلاف‌ها و اتحادهای منطقه‌ای

داعش به متمایزترین گروه تروریستی تبدیل شده است که در بحث منطقه‌گرایی خاورمیانه باید به صورت مجزا این گروه را در ابعاد مختلف بررسی کرد. داعش از این‌رو مورد مطالعاتی این پژوهش است که در همگرایی و واگرایی منطقه خاورمیانه تاثیرات قابل توجهی داشته است. با معرفی کوتاه این گروه تروریستی و ائتلاف‌هایی که برای مبارزه با داعش شکل گرفته است، به تاثیر داعش بر منطقه‌گرایی خاورمیانه می‌پردازیم.

در منطقه خاورمیانه‌ای که داعش متولد شد و رشد کرد، نگاه واقع‌بینانه به بحث افراطی‌گرایی ختم نمی‌شود و با پدیده‌ای مواجه هستیم که سرآمد خشونت‌آمیزترین گروه‌های تروریستی است. در این خصوص باید اشاره کرد که در دهه اخیر تروریسم به پدیده‌ای تبدیل شده است که در سطح امور عمومی و مشترک سیاسی جای می‌گیرد. تاثیرگذاری تروریسم محدود بر مسایل امنیتی و سیاسی دولت‌ها نیست. اثرگذاری گسترده گروه‌های تروریستی خصوصا داعش بر دولت‌های خاورمیانه، کشورهای این منطقه را مجبور به همکاری با یکدیگر کرد.

در همین راستا سطح تحلیل در مطالعات این موضوع اغلب سطح تحلیل کلان هست. تروریسم در هر کشوری قابل بررسی است. کشورهای توسعه‌یافته نمی‌توانند خود را مصون یا بی‌ارتباط با تروریسم بدانند. تروریسم جدید خصوصا داعش، شاید از خاورمیانه متولد شده باشد؛ اما به دیگر کشورها حتی ابرقدرت‌های جهانی نیز نفوذ کرده است. تروریسم به طور حتم دشمن مشترک تمام دولت‌های مستقل جهان هست. در این شرایط است که دیگر اقدام یک‌جانبه یا حتی دوجانبه برای مقابله با این تهدید کافی نیست؛ بلکه برای محدود ساختن تروریسم‌های، رویکردی کلان‌تر لازم است (فاطمه دانشور، ۱۳۹۵، ۱۲۳).

رویکردی که در ابتدا با هدف همکاری و همگرایی باشد و در چارچوب سازمانی و شکل‌گیری

اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای میسر می‌شود. مقدمه شکل‌گیری این مجموعه‌ها، همگرایی دولت‌ها و حرکت به‌سوی هدفی مشترک است.

داعش در خاورمیانه شرایطی را ایجاد کرده است که دولتمردان مجبور شدند با محدود کردن خود به‌سوی همگرایی و همکاری با دیگر دولت‌ها حرکت کنند. دیگر تفاوتی ندارد که کشورها حاکمانی مستبد داشته باشند یا اختلاف سیاسی و بی‌ثباتی را در مرزهای خود داشته باشند. در شرایطی فعلی دولت‌ها باید به همگرایی حداقلی دست پیدا کنند. این همگرایی اگر پیش‌زمینه‌هایی مشابه داشته باشد، موفقیت‌های بیشتری را به همراه خواهد داشت. تشابهات مذهبی، زبانی، فرهنگی و درنهایت اهداف استراتژیک مشترک همگرایی ناشی از حضور داعش در خاورمیانه را تقویت می‌کند. باوجود تمام این واگرایی‌ها و همگرایی‌ها میان کشورها در منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف‌های متعدد بوده‌ایم که چه در ظاهر و چه در عمل به‌دنبال مبارزه با داعش هستند. اقدامات صورت گرفته برای همگرایی در منطقه خاورمیانه، بیشتر کاریکاتوری از حقایق همگرایی است. کشورهای خاورمیانه، بیم‌ها و امیدهای مشترک مهمی دارند. ضمن اینکه بستر همگرایی هم فراهم است. سازمان منطقه‌ای از مهمترین ابزارها برای فراهم کردن بستر همگرایی است که انتظار می‌رود از وضعیت رکود کنونی خارج شده و به وزنه مهمی در معادلات سیاسی منطقه‌ای تبدیل گردد. تقویت این سازمان‌ها و حضور فعال آن می‌تواند همگرایی در میان کشورهای خاورمیانه را محقق نماید.

در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان، اتخاذ سیاست همگرایی را ضامن تحصیل منافع ملی‌شان می‌دانند؛ درک نکردن این دقت‌ها از سوی کشورهای منطقه، به ضرر خاورمیانه است. درنهایت با وجود تمام عامل‌ها برای همگرایی و واگرایی میان کشورهای منطقه خاورمیانه گروه تروریستی در این منطقه ظهور کرد که به‌جرات می‌توانیم از داعش به نام وحشیانه‌ترین گروه تروریستی نام ببریم. در برابر این گروه تروریستی دولت‌های منطقه و دولت‌های فرا منطقه‌ای به اتحاد و ائتلاف‌های ضد داعش روی آوردند. این ائتلاف‌ها را می‌توانیم به دو دسته‌بندی ائتلاف‌های سیاسی و ائتلاف‌های نظامی تقسیم کنیم. در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱-۳. ائتلاف‌های نظامی

در دسته‌بندی اول با سه ائتلاف نظامی در منطقه خاورمیانه مواجه هستیم که شامل ائتلاف

نظامی اسلامی، ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و ائتلاف ایران، روسیه و سوریه است.

۳-۱-۱. ائتلاف نظامی اسلامی^۱

ائتلاف نظامی اسلامی یک ائتلاف نظامی در جهان اسلام است که به رهبری عربستان سعودی و به‌منظور مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی ایجاد شده است. اگرچه نگرانی‌ها و دغدغه‌های راهبردی در خصوص گسترش تروریسم در سطح منطقه، سعودی و دیگر دولت‌های مشارکت‌کننده در این ائتلاف را به سمت تأسیس یک مرکز کنترل و فرماندهی هدایت کرده؛ اما نباید از رویکرد زمامداران سیاسی و امنیتی عربستان برای بسط سیادت عربستان در منطقه غافل بود.

این ائتلاف با چندین مسئله مهم و حیاتی دست‌به‌گریبان است که از میان آنها می‌توان به عدم مشخص کردن هدف قابل سنجش، عدم تعریف دقیق هم‌پیمان و دشمن، عدم تعریف واکنش احتمالی و غیر احتمالی، اشاره کرد. در بین خود اعضای مشارکت‌کننده نیز پرسش‌های اساسی خودنمایی می‌کند، وجود کشورهای فقیری چون گابون، بنین، نیجر، سودان، سومالی، گینه و بیشتر کشورهای آفریقایی تا چه حد می‌تواند در مبارزه با تروریسم موثر باشد، خود قابل‌تأمل است. از سوی دیگر سهم و میزان نقش بازیگرانی چون ترکیه، مالزی و پاکستان که دارای روابط خوب با ایران هستند، نیز مشخص نیست (یزدان پناه، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

۳-۱-۲. ائتلاف بین‌المللی ضد داعش^۲

با شکل‌گیری ائتلاف جهانی علیه گروه تروریستی داعش حملات هوایی علیه مواضع این گروه در خاک عراق و سوریه آغاز شده است. رهبری این ائتلاف بر عهده ایالات‌متحده آمریکا است و راهبردی که رسماً توسط کاخ سفید اعلام شده، حاکی از تلاش برای تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی برای تضعیف نظامی و مالی و انهدام داعش است. جان کری وزیر خارجه وقت ایالات‌متحده آمریکا در سفر به چند کشور عربی و ترکیه، ضمن گفتگو با مقامات این کشورها نظر آنان را نسبت به تشکیل ائتلاف ضد داعش جلب کرد. پس از این سفر چندین نشست منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار شد و بالاخره با صدور قطعنامه علیه داعش توسط شورای امنیت، راه اقدامات عملی بر ضد داعش هموار شد. اندیشمندان معتقد هستند که آمریکا به‌عنوان رهبر ائتلاف ضد داعش قصد دارد با اتکا به

1. Islamic Military Alliance.

2. International Anti-ISIL Coalition.

نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت، برای اقدامات آتی خود در منطقه مشروعیت کسب کند. در خصوص دستاوردهای ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به‌صورت کلی می‌توان گفت که اگرچه ائتلاف توانست توان عملیاتی این جریان را تقلیل دهد؛ اما نتوانست پیشروی آن را متوقف کند. درواقع، در تمام مناطق آزاد شده از داعش در عراق، نیروهای نظامی و شبه‌نظامی عراقی و کردی نقش اصلی را ایفا کرده‌اند. کمپین هوایی این ائتلاف تنها نقش پشتیبانی را ایفا کرد که تاثیری حداقلی داشت. ائتلاف بین‌المللی ضد داعش به دلیل چنددستگی بازیگران و تعدد و تناقض اهداف آنها، تاکنون حماسه‌ای خلق نکرده است (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۰۱-۱۷۹).

۳-۱-۳. ائتلاف ایران، روسیه و سوریه

هم‌پیمانی ایران و سوریه در طی ۴۰ سال گذشته و در شرایط مختلفی که در خاورمیانه به‌وجود آمده است، همچنان ثابت بوده است. با شروع بحران سوریه، روس‌ها به این پیمان ورود کردند که در نتیجه آن ائتلاف سه‌جانبه به‌وجود آمد. سابقه روابط سوریه با روسیه، به هفت دهه قبل برمی‌گردد که این روابط با وجود تغییرات شکل گرفته و سقوط اتحاد جماهیر شوروی دست‌خوش تغییر شد. در شرایط فعلی از نظر دمشق، روس‌ها در امور سوریه دخالت نمی‌کنند؛ اما تصمیم‌گیری نهایی درخصوص شرایط سوریه با حاکمیت و ملت سوریه است و از نظر روسیه این یک اصل ثابت است. از این‌رو، هم‌پیمانی دو کشور، استراتژیک است.

ایران و روسیه در راستای مبارزه با تروریسم در سوریه اقدامات نظامی هم‌سو با ائتلاف شکل گرفته داشتند که بارزترین این اقدامات پرواز جنگنده‌های روسیه از میدان هوایی همدان در ایران بود. جنگنده‌های روسی با موافقت نظامی ایران از میدان هوایی همدان پرواز کردند و مواضع مخالفان دولت بشار اسد را در سوریه بمباران کردند. این نخستین بار است که پس از جنگ جهانی دوم از میدان هوایی یک کشور، کشور دیگر برای اهداف جنگی استفاده می‌کند.

در موضوع بحران سوریه، نه همکاری با ایران و حفظ اسد، بلکه منافع روسیه مانند حفظ بندر طرطوس است، که برای آن بسیار حایز اهمیت است. از نظر اندیشمندان روابط و همکاری ایران و روسیه به‌خصوص در بحران سوریه یک همکاری موردی و مقطعی و یک اتحاد مصلحتی است و نمی‌توان آن را یک اتحاد راهبردی نامید و در ضمن گمان می‌رود که هیچ‌گاه به یک اتحاد راهبردی تبدیل نشود.

البته ذکر این استدلال‌ها دلیل بر این نیست که منکر روابط و همکاری عمیق و مناسب ایران

و روسیه در مسایل بین‌الملل و منطقه‌ای، به‌ویژه در بحران سوریه شویم؛ بلکه هدف این است که نشان دهیم این همکاری‌ها نمی‌تواند به یک سطح استراتژیک و راهبردی برسد و بیشتر یک اتحاد مصلحتی و مقطعی است (فرشادگر، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۶۵).

۲-۲. ائتلاف‌های سیاسی

در دسته‌بندی دوم با ائتلاف‌های سیاسی مواجه هستیم که تا به امروز این ائتلاف‌ها را در مذاکرات ژنو^۱ و مذاکرات آستانه^۲ شاهد بوده‌ایم.

۳-۲-۱. مذاکرات ژنو

مذاکرات صلح بین دولت سوریه و آنچه گروه‌های معارض خوانده می‌شود، تحت نظارت سازمان ملل و به‌منظور پایان دادن به درگیری‌ها است. تحولات میدانی مهم در سوریه و غلبه بر گروه‌های تروریستی در راس آن داعش که طی چند ماه اخیر به دست نیروهای دولتی این کشور با پشتیبانی روسیه و ایران و همچنین با کمک نیروهای تحت حمایت آمریکا موسوم به نیروهای سوریه دموکراتیک متحمل تلفات سنگینی شد، می‌تواند گروه‌های معارض را به امتیازدهی به‌منظور رسیدن به دستاوردهای سیاسی وادار کند (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۷۴-۱۴۹). در ادامه نگاهی به نشست‌های برگزار شده در خصوص بحران سوریه در ژنو خواهیم داشت.

ژنو ۱

نخستین کنفرانس ژنو درباره سوریه در ژوئن ۲۰۱۲ برگزار شد. این نشست با حضور وزرای امور خارجه پنج کشور آمریکا، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه به همراه سه کشور قطر، عراق و کویت به نمایندگی اتحادیه عرب با حضور ترکیه برگزار شد. در این نشست توافقاتی ازجمله «پذیرش تشکیل دولت انتقالی در سوریه» و دخیل دانستن تمام طرف‌های درگیر حاصل شد، توافقاتی که عملاً هیچ تأثیر مفیدی در پی نداشت و در تشریح دلایل عدم موفقیت نشست ژنو ۱ کارشناسان معتقد هستند که توافق تنها میان ۲ کشور آمریکا و روسیه حاصل شد و هیچ تضمین و اجباری در کار نبود تا این توافق به داخل خاک سوریه نیز کشیده شود (رضایی، ۱۳۹۶: ۱۷۴-۱۴۹).

1. Geneva Negotiations.

2. Astana Negotiations.

ژنو ۲

در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳، معارضان و دولت سوریه حدود دو هفته، مذاکرات جداگانه‌ای را برای حل و فصل بحران سوریه در قالب ژنو ۲ در سوئیس آغاز کرده‌اند که بر سر اولویت‌بندی و روند مذاکرات دچار اختلاف نظر بودند. دولت سوریه اولویتش برنامه مبارزه با تروریسم بود؛ در حالی که معارضان به تشکیل هیات انتقالی قدرت اصرار داشتند. مهمترین دلیل شکست این نشست را عدم واقع‌بینی مخالفان و کشورهای حامی آن می‌توان ذکر کرد (جعفری، ۱۳۹۲).

ژنو ۳

در تاریخ ۲۶ ژانویه سال ۲۰۱۴ نیز نشست سوم مذاکرات ژنو برگزار شد، تفاوتی که این دور از مذاکرات با نشست‌های سابق دارد، در این است که برخی طرف‌های بین‌المللی نظیر اروپایی‌ها به‌صورت روشن و ضمنی در محافل و نشست‌های محرمانه و علنی از حل و فصل بحران با روی کار بودن بشار اسد حمایت می‌کنند. یکی از تفاوت‌های بسیار مهم نشست ژنو ۳ با دو نشست قبلی، حضور ایران در این نشست بود. با افزایش اختلاف‌های گروه‌های مخالف نظام سوریه درباره ساختار هیئت مذاکره‌کننده، این نشست هم بدون نتیجه پایان یافت.

ژنو ۴

بافاصله زمانی زیاد در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۱۷ چهارمین نشست نیز آغاز شد و روز نخست مذاکرات ژنو ۴، سازمان ملل، نبود اعتماد میان طرفین را مهمترین مشکل بر سر راه این نشست اعلام کرد. خروجی این دوره از مذاکرات چیزی جز توافق بر سر مباحث کلی و تکراری نبود. عدم موفقیت این دوره از نشست نیز درگرو مواضع هیاتی قرار داشت که بخشی از تروریسم در بدنه آن نفوذ کرده است. واقعیت این است که بخشی از تروریسم امروز در بدنه معارضان سوری نقش آفرینی می‌کند و این، درست همان چیزی است که روند گفتگوهای صلح را طی ماه‌های گذشته با خلل جدی مواجه ساخته است (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

ژنو ۵

دور پنجم مذاکرات سوریه در ژنو بین ۲۳ تا ۳۱ مارس برگزار شد. در این دور از مذاکرات درباره

محتوای چهار محور تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات، سازوکارهای تشکیل دولت و مبارزه با تروریسم در سوریه گفتگو شد و تنها درخصوص حضور در ششمین دور مذاکرات صلح سوریه در ژنو توافق شد.

ژنو ۶

این نشست در ۱۶ می ۲۰۱۷ آغاز شد و تفاوت این مذاکرات با نشست‌های قبلی در حضور تمامی گروه‌های سوری در این مذاکرات است. نخستین مشکل در مذاکرات ژنو ۶ این بود که تمرکز اصلی بر یک موضوع خاص وجود نداشته است. نماینده سازمان ملل در امور سوریه، خواستار گفتگو درباره قانون اساسی آینده سوریه بود و دولت سوریه نیز با این پیشنهاد موافقت کرد؛ اما گروه‌های معارض سوری بیش از هر چیز خواستار متوقف شدن حملات نظام سوریه بودند. دستاورد کم تاثیر مذاکرات ژنو ۶ نیز فراهم شدن آغاز نشست‌های کارشناسی میان سازمان ملل و طرفین سوری در زمینه بحث درخصوص قانون اساسی و موضوعات قانونی بود (زمانی، ۱۳۹۴: ۷۳).

ژنو ۷

هفتمین نشست نیز کار خود را در ۱۰ جولای ۲۰۱۷ آغاز کرد که برنامه این دور از گفتگوهای صلح ژنو نیز مانند دو دور پیشین بررسی چهار موضوع قانون اساسی، دولت انتقالی، انتخابات و مبارزه با تروریسم بود. با وجود آنکه برخی تحلیل‌گران احتمال و امکان به نتیجه رسیدن دور هفتم مذاکرات ژنو را از دیدار پوتین و ترامپ محتمل‌تر از گذشته ارزیابی می‌کردند؛ اما عدم اعلام نتایج مشخصی از مذاکرات هفتم ژنو نشان داد، مذاکرات پوتین و ترامپ نیز چندان نتیجه‌بخش نبوده است.

ژنو ۸

هشتمین دور مذاکرات ژنو برای حل بحران سوریه، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۷ آغاز شد. دستور کار دور هشتم مذاکرات صلح ژنو مجدداً شامل مواردی چون دولت انتقالی، تنظیم قانون اساسی و برگزاری انتخابات بود. این نشست در زمان فعلی آخرین دور از سلسله نشست‌های ژنو برای بحران سوریه بود که بدون دستیابی به نتیجه ملموسی پایان یافت (محمدی، ۱۳۹۶: ۳۳).

۳-۲-۲. مذاکرات آستانه

مذاکرات آستانه با ابتکار عمل ایران و روسیه و همراهی ترکیه، به منظور حل و فصل منازعات سوریه و پایان بخشیدن به بحران در این کشور آغاز شد. مذاکرات صلح سوریه در آستانه، به موازات مذاکرات صلح سوریه در ژنو که تحت میانجی‌گری سازمان ملل متحد بود برگزار می‌شد. روند مذاکرات، نتایج و دستاوردهای این نشست‌ها را در ادامه بررسی می‌کنیم.

آستانه ۱

اولین نشست در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۷ برگزار شد که مهمترین دستاورد آستانه ۱ جداسازی تروریست‌ها مشخصاً دو تشکل «جبهه النصره» و «داعش» از مخالفان سیاسی در سوریه بود.

آستانه ۲

مذاکرات «آستانه ۲» ۱۶ فوریه ۲۰۱۷ آغاز شد. در این دور از مذاکرات به علت وجود اختلاف نظرهای زیاد میان شرکت‌کنندگان بر سر تعریف موارد نقض آتش‌بس و مجازات نقض‌کنندگان، بر سر صدور یک بیانیه مشترک توافقی حاصل نشد.

آستانه ۳

دور سوم مذاکرات صلح سوریه در آستانه ۱۴ مارس ۲۰۱۷ برگزار شد. هیات‌های حاضر در دور سوم مذاکرات آستانه در بیانیه‌ای مشترک بر چند اصل مهم تاکید کردند که مهمترین آنها توقف درگیری‌ها در سوریه، تحکیم آتش‌بس و حفظ آن، تبادل اطلاعات و تقویت روند مکانیسم سه‌جانبه بود (شریف‌زاده، ۱۳۹۶).

آستانه ۴

این نشست نیز در تاریخ ۳ می ۲۰۱۷ برگزار شد که مهمترین دستاورد آن توافق برای ایجاد مناطق کاهش تنش بود. توافق بر سر محورهای امن شد که در امتداد آن تنش‌ها برای جلوگیری از درگیری مستقیم مسلحانه بین دو طرف در سوریه کاهش پیدا کند (حیدری، ۱۳۹۶).

آستانه ۵

در تاریخ ۵ جولای ۲۰۱۷ شاهد پنجمین نشست آستانه بودیم که برای تشکیل کمیته ویژه تعیین شاخص‌های مناطق کاهش تنش در سوریه به توافق رسیدند.

آستانه ۶

در ادامه نشست‌ها در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۷ ششمین نشست برگزار شد. در این نشست بر سر مواردی توافق شد که مهمترین آنها استقرار ناظرانی از کشورهای ضامن آتش‌بس در مرزهای استان ادلب و آزادسازی بازداشتی‌های نزد طرفین بود (گل محمدی، ۱۳۹۶).

آستانه ۷

در ادامه نشست‌های آستانه ۲۹ اکتبر ۲۰۱۷ هفتمین نشست نیز برگزار شد که بر اساس بیانیه پایانی مقرر شد، کشورهای ضامن بر توقف جنگ و حفظ وحدت و تمامیت ارضی سوریه و ادامه مبارزه با تروریسم و تثبیت توافق مناطق کاهش تنش اقدام کنند.

آستانه ۸

۲۱ دسامبر ۲۰۱۷ هشتمین اجلاس آستانه نیز برگزار شد که کشورها در خصوص مقررات مربوط به گروه کاری آزادسازی بازداشت‌شدگان و تحویل اجساد و شناسایی مفقودین و همچنین اقدامات مین‌زدایی به توافق دست یافتند. نشست با نتایج نسبتاً مثبت برگزار شد (حیدری، ۱۳۹۶).

آستانه ۹

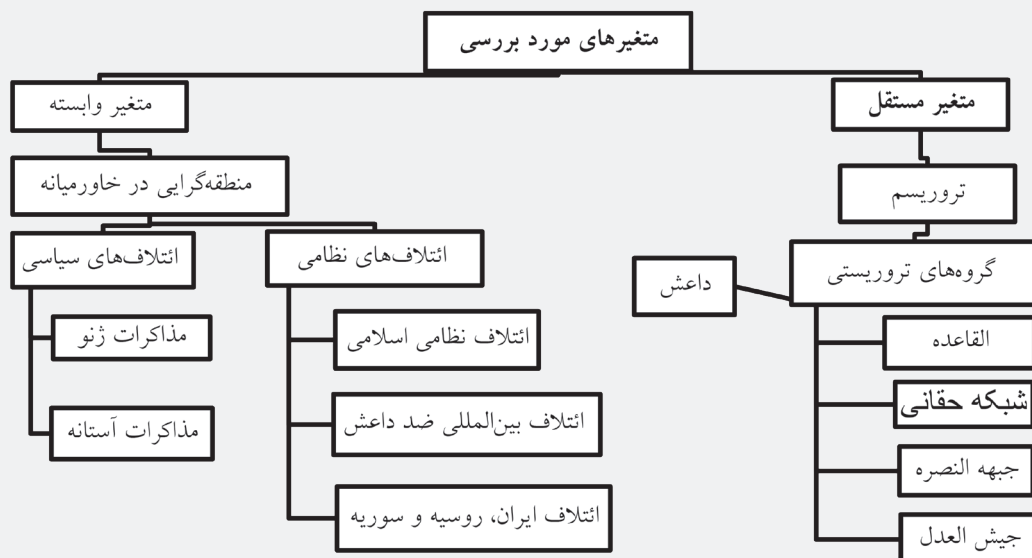
روند نشست‌های آستانه دنباله‌دار شد و نهمین نشست آن ۱۴ و ۱۵ ماه می ۲۰۱۸ برگزار شد. آنچه بیش از هر چیز دیگری در جریان مذاکرات آستانه ۹ به چشم می‌آمد، ممانعت شرکت‌کنندگان در این مذاکرات یعنی سران ارشد ایران، روسیه و ترکیه از فروپاشی بود. دستاوردی که از آن تحت عنوان ایجاد «مناطق کاهش تنش» یاد می‌شود (حسین‌آبادیان، ۱۳۶۹).

آستانه ۱۰

در نهایت ۳۰ جولای ۲۰۱۸ دهمین نشست نیز برگزار شد و درباره آخرین نتایج عملیات مبارزه با تروریسم در سوریه و اوضاع انسانی در این کشور از جمله اوضاع آوارگان و بازداشت‌شدگان گفتگو شد. از جمله دستاوردهای این نشست ایستادگی در برابر جدایی‌طلبانی که در پی نقض حاکمیت سوریه هستند بود و همچنین توافق شد که تمامی طرف‌ها برداشتشان از اصطلاح مبارزه با تروریسم در سوریه بر سرکوب سازمان‌های داعش، جبهه النصره و القاعده متمرکز شود.

تا به امروز مذاکرات آستانه، ۱۰ دوره نشست را تجربه کرده است که بررسی سیاست‌های ترکیه نیازمند تاکید بیشتر است. نحوه‌ی سیاست ورزی ترکیه در رابطه با بحران سوریه را می‌توان تابعی از سه متغیر شرایط داخلی این کشور، وضعیت میدانی سوریه و مواضع نهادها و بازیگران بین‌المللی نقش‌آفرین در بحران سوریه پنداشت. ترکیه در مسیر مبارزه با تروریسم تلاش داشته به‌صورت کاملاً رندانه‌ای از ائتلاف‌های شکل‌گرفته در راستای منافع خود بهره‌مند شود.

مذاکرات آستانه، راه را برای توقف مخاصمات و درگیری‌ها هموار خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد مذاکرات آستانه یک گام محور مقاومت را به این خواسته خود نزدیک کرده است؛ البته باید متذکر شد که حضور بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و منافع آنان کار را دشوار خواهد کرد.



شکل شماره دو: تروریسم و منطقه‌گرایی در خاورمیانه

نتیجه‌گیری

پژوهش گردآوری شده، با موضوع تاثیر تروریسم بر منطقه‌گرایی در خاورمیانه با تاکید بر داعش با این سوال شکل گرفته است که تاثیر ظهور تروریسم در خاورمیانه خصوصا داعش بر روند منطقه‌گرایی در این منطقه چیست؟ برای پاسخ به این سوال فرضیه‌ای مطرح شده است که بیان می‌کند؛ ظهور داعش در منطقه خاورمیانه با وجود تقویت اندیشه و اقدام مبارزه با تروریسم در کشورهای منطقه اما به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای بازیگران بومی و منافع متعارض آنها باعث شکل‌گیری ائتلاف‌های دوگانه و واگرا به‌جای منطقه‌گرایی شد.

با در نظر گرفتن سوال اصلی و فرضیه در بخش نظری پژوهش انجام شده، بر رویکرد منطقه‌گرایی نوین تاکید شد که توان بررسی منطقه‌گرایی در منطقه خاورمیانه را دارد. در کنار منطقه‌گرایی تاکید بر تاثیر تروریسم خصوصا داعش داشتیم.

با پیوند دو متغیر تروریسم و منطقه‌گرایی در خاورمیانه می‌توان بیان کرد که گروه تروریستی داعش در سال‌های اخیر کشورها را به‌سوی همگرایی پیش برده است. گرچه این روند در همه موارد به اختیار نبوده است و کشورهایی به‌اجبار به این موضوع ورود کرده‌اند، شاهد شکل‌گیری اتحادهای مختلفی بوده‌ایم. تا این لحظه به این نتیجه رسیده‌ایم که تروریسم محصور در یک یا دو کشور مثل عراق و سوریه نیست که با اراده نظامی و لشکرکشی دیگر دولت‌ها چه از نوع منطقه‌ای و چه از نوع فرا منطقه‌ای بتواند آن را ریشه‌کن کرد.

اگرچه تروریسم خصوصا داعش پدیده‌ای خشونت‌آمیز است؛ اما شیوع و گسترش آن تنها محدود به راه‌های خشونت‌آمیز نیست. برای مبارزه با داعش در خاورمیانه با وجود پیچیدگی‌هایی که دارد، اقدام یک‌جانبه یا حتی دوجانبه برای مقابله با این تهدید کافی نیست؛ بلکه برای محدود ساختن تروریسم‌ها، رویکردی کلان‌تر لازم است.

کشورهای منطقه خاورمیانه باید به‌دنبال پایانی برای داعش در منطقه باشند که درنهایت منجر به همگرایی و شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای پرنفوذ در میان آنها شود. گرچه شکل‌گیری همگرایی در سطوح مختلفش در خاورمیانه بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به تجربیات تاریخی خاورمیانه در رویدادهای بین‌المللی یک استثنا محسوب می‌شود. از سویی تجربیات ائتلاف‌های شکل گرفته نشان داده است که ماهیت داعش به‌گونه‌ای است که دولت‌ها نمی‌توانند ائتلاف خاص

خود را در مبارزه با داعش ادامه دهند برای مبارزه با گروه تروریستی داعش گسترش منطقه‌گرایی و ائتلاف همگانی نه محدود در خاورمیانه اولویت اصلی است. رویکردی که همه بازیگران منطقه‌ای را در برگیرد.

تا به امروز مهمترین نکته‌ای که پویایی‌های منطقه‌ای را تحت‌تاثیر قرار داده است، چگونگی جنگ و ائتلاف‌های فعلی دولت‌ها علیه داعش است. در ائتلاف‌های شکل گرفته با بحث تعدد فعالیت‌ها و همسو نبودن مسیر مبارزه با داعش مواجهه هستیم. همین موضوع خاورمیانه را از رسیدن به منطقه‌گرایی نیز باز می‌دارد. مانع دیگر نیز تغییر و دگرگونی ناگهانی در رفتار بازیگران منطقه خاورمیانه است، ائتلاف‌ها در یک‌چشم بر هم زدنی زیرورو می‌شوند.

تجربه‌های به دست آمده بیان‌گر این موضوع است که ائتلاف‌های شکل گرفته برای مبارزه با داعش روند همکاری‌ها را به سمت شکل‌گیری چندین ائتلاف پیش می‌برد. این امر نشان از تضاد منافع و واگرایی بیشتر در خاورمیانه است. این موضوع را در ائتلاف‌های سیاسی به‌وضوح شاهد هستیم که با وجود مذاکرات ژنو مذاکرات آستانه نیز شکل گرفت.

ائتلاف‌های موجود از نظر تئوری و از نظر عملی در چارچوب منطقه‌گرایی تعریف نشده‌اند. این رویکرد آسیبی را به همراه دارد که ادامه آن نمی‌تواند پایانی برای تروریسم در خاورمیانه باشد و همچنین آغازی برای شکل‌گیری منطقه‌گرایی نیز نخواهد بود.

در نهایت باید اشاره کنیم که داعش خاورمیانه را به بستری امنیتی تبدیل کرده و موجی از بی‌اعتمادی را در این منطقه شکل داده است. بی‌اعتمادی، بلا تکلیفی، اتحادهای اجباری و موقتی، تصمیم‌گیری‌های هیجانی و ناگهانی و ورود بازیگران جهانی و فرا منطقه‌ای ماحصل حضور گروه تروریستی داعش در خاورمیانه است که روند منطقه‌گرایی را در این منطقه پرتلاطم به تاخیر انداخته است.

فهرست منابع:

۱. ابراهیمی پور، حوا، (۱۳۹۳)، «روابط کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و ایران از منظر منطقه‌گرایی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۴.
۲. آقاجری، محمدجواد، (۱۳۹۱)، «پیمان سارک و تاثیر آن بر منطقه‌گرایی»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، شماره ۲۰.
۳. برزگر، کیهان، (۱۳۶۶)، «جایگاه تروریسم جدید در مطالعات خاورمیانه و روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴.
۴. بزرگمهری، مجید، (۱۳۸۷)، «تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم، مروری بر اسناد مصوب و دیدگاه‌های صاحب‌نظران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۲.
۵. بصیری، محمدعلی، آقا محمدی، زهرا، فلاحی، احسان، (۱۳۹۵)، «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۹.
۶. ترابی، قاسم، محمدیان، علی، (۱۳۹۴)، «بسترها و عوامل موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۹۳.
۷. حسینی، سید لطیفه، (۱۳۹۴)، «نقش منطقه‌گرایی در حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای»، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب دانشگاه قم، شماره ۳، ۲۹.
۸. خلیلی، محسن، زارعی، معصومه، (۱۳۹۲)، «بازشناسی سازمان همکاری شانگهای بر بنیان نسل سوم نظریه منطقه‌گرایی»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، شماره ۳.
۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۸۹)، «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی، مطالعات اوراسیایی مرکزی»، مطالعات اورآسیای مرکزی، شماره ۳.
۱۰. روحی دهبه، مجید، (۱۳۹۴)، «مفهوم‌سازی همگرایی و منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل از منظر سازه‌نگاری»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، شماره ۱۳.
۱۱. سیمبر، رضا، (۱۳۹۴)، «فهم کانستراکتیویستی تروریسم بین‌الملل»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، شماره ۲۹.
۱۲. صفاری انارکی، محمد، کریمی، سحر، (۱۳۹۳)، «منطقه‌گرایی از نگاه نظریه‌ها»، کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی.
۱۳. عابدینی، داود، (۱۳۹۶)، «جامعه شبکه‌ای و تروریسم نوین؛ بررسی منابع ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری تروریسم نوین در منطقه خاورمیانه در راستای دستیابی به یک مدیریت اجرایی برای امنیت»، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی سال دهم، شماره ۱.
۱۴. عسگری، سهراب، (۱۳۹۴)، «ژئوپولیتیک جهان اسلام؛ زمینه‌های واگرایی و بسترهای همگرایی»، مجله علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم^(ع)، شماره ۴۱.

۱۵. فرجی راد، عبدالرضا، (۱۳۸۳)، «اهمیت توجه به منطقه‌گرایی و نقش آن در توسعه کشور»، فصلنامه جغرافیای سرزمین، شماره ۳.
۱۶. قاسمی، محمدعلی، «استراتژی ترکیه در قبال داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳.
۱۷. کامران، حسن، کریم پور، یدالله، (۱۳۸۱)، «جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی و دولت-ملت‌ها»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲.
۱۸. کولایی، الهه، سازمند، بهاره، (۱۳۹۰)، «همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکوو آسه آن»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات مرکزی، شماره ۲۷.
۱۹. نجات، سید علی، (۱۳۹۴)، «گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه سیاست، شماره ۶.
۲۰. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹، «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، دانش سیاسی، شماره ۱۱.
21. Makarychev, Andrey, (2017), Russia's Engagement With Asia Pacific: International Socialization, Multipolarity and Regionalism
22. Caruson, Kiki, Disaster Vulnerabilities How Strong a Push Toward Regionalism and Intergovernmental Cooperation?
23. Dr. Sarah Hariri Haykal. Fighting Terrorism and Corruption for Better Governance in the Middle East.
24. Fawcett, Louise, The History and Concept of Regionalism
25. Goltermann, Lukas/ Mathis Lohaus/ Alexander Spielau/ Kai Striebinger. Roads to Regionalism
26. Gordon, Sandy, Regionalism and Cross-Border Cooperation against Crime and Terrorism in the Asia-Pacific
27. Hettne, Björn, The New Regionalism Revisited
28. Jia Hao Chan. Regionalism in South Asia: Negotiating cooperation, institutional structures.
29. Mark Beeson and Troy Lee-Brown. The Future of Asian Regionalism: Not What It Used to Be?
30. Mark Petersen and Carsten-Andreas Schulz. Setting the Regional Agenda: A Critique of Posthegemonic Regionalism
31. Öjendal, Joakim, Back to the Future? Regionalism in South-East Asia Under Unilateral Pressure,
32. Pasha L. HSIEH. New Asian regionalism and the Global South.
33. Peter, Ada. Skewed global-focusing and global-spectacle of ISIS: A subtle media strategy for manufacturing popular dissent for terrorism as a legitimate approach for seeking political change in the Middle East.

34. Prof. Boaz Ganor. Conflict Management and Counter-Terrorism in Israel and the Middle East.

35. Tarkan OKTAY. METROPOLITAN GOVERNANCE IN TURKEY WITH REGARD TO REGIONALISM APPROACHES.